

نامه‌ی امین‌الضرب از تهران

راجع به توزیع کتاب در تبریز

دکتر یحیی کلانتری - تبریز

□ ۱- درآمد

در صفحه‌ی ۱۳ گرامی‌نامه‌ی حافظ شماره‌ی ۷۱ مقاله‌ی به قلم آن استاد ارجمند چاپ شده بود با عنوان «اولین طرح شورایی کردن اداره‌ی حوزه‌های علمیه و خمس و زکات و موقوفات عامه در ایران در سال ۱۳۲۶» که حاکی از تلاش متصدیان امور حوزه‌ی علمیه‌ی سبزوار در توزیع منصفانه و مصرف عادلانه و حکیمانه‌ی وجوه شرعیه بود. پس از ملاحظه‌ی سند مربوط به آن مقاله، علاقمند شدم تصویر نامه‌ی امین‌الضرب را که از تهران به میرزا احمدآقا امام جمعه (فرزند و جانشین میرزا جواد آقا مجتهد) تبریزی نوشته است را خدمت آن استاد بفرستم تا در صورت انطباق با خط و مشی مجله، در آن‌جا چاپ شود.

امین‌الضرب با اخلاص و تواضع مرسوم آن زمان، تعداد محدودی از مجلدات چاپی بحارالانوار مجلسی را برای مطالعه‌ی علما و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی تبریز فرستاده و برای این‌که نسخ معدود کتاب در دست کسی یا جایی راكد نماند، پیشنهاد جالبی دایر به تقسیم آن‌ها در بین علما و طلاب داده است که جهت آگاهی از پیشنهاد او متن نامه در پائین بازنویسی می‌شود:

۲- متن نامه

هو

تبریز ۲۳ ج ۱ [جمادی‌الاولی] سنه ۱۳۱۲
حجه‌الاسلاما مقتدی الاناما
تصدق حضور مبارک گرده عمده
مطلب سلامتی مزاج مبارک حضرت
مستطاب اجل عالی دام افضاله و
ظله‌العالی است. ضمناً جسارت می‌شود
بعد از تشریف فرمایی از دارالخلافة
و ورود به تبریز ابدأ اظهار التفات و
مرحمتی نفرموده‌اند. ولی مخلص هر
هفته از افتخارالحاج و الاشراف مخدوم
محترم حاجی محمد رحیم آقا مستفسر
سلامتی مزاج مبارک بوده‌ام و بحمدالله
از سلامتی مزاج شریف که مستحضرم
می‌نموده‌اند، مسرور و شاکر بوده‌ام.
امید است بعد از این گاهی به ارجاع
خدمات و انجام فرمایشات مفتخر و
سرافرازم فرمایند.

در زمان توقف در دارالخلافة [تهران]
به حضور مبارک عرض شد که از
این کتب بحارالانوار [مجلسی]
سهمی برای آقایان علما و طلاب تبریز
باید فرستاده شود، فرمودید که فرستاده
شود تا در آن‌جا بر حسب امر و حواله‌ی
حضرت مستطاب اجل عالی بدهند.
چندی قبل ۴۹ دوره از کتب مزبوره
که هر دوره‌ی ۱۷ جلد است،^۱ نزد

افتخارالحاج و الاشراف حاجی محمد
رحیم آقا فرستاده شده که به هر کس
امر و مقرر فرمائید و حواله فرمائید
بدهند. البته خود حضرت اجل عالی
مستحضرند که به هر یک از علما و
طلاب باید سهمی و قسمتی داده شود
یعنی به اندازه و میزان علم آن‌ها و
استحقاق علمی آن‌ها باید داده شود. در
تهران و سایر ولایات هم به علما و
طلاب همین‌طور یک جلد و سه جلد و
زیاده به تفاوت داده شده است. مقصود
از جسارت این است که تصور نفرمائید
باید به هر کس داده شود، همه‌اش نزد
او جمع باشد.

امید است که این جسارت را قبول
فرمایند و به‌طوری که عرض شده
مقرر فرمایند به اهل استحقاق آن‌ها
بدهند که از توجه و مرحمت حضرت
اجل عالی طلاب مستفیض شوند و
دعاگوی وجود مبارک باشند و هم
بی‌فایده نمانده باشد. زیاده جسارت
است.

الامراجل مطاع مطاع فی ۲۳ ج ۱.

۱۳۱۲

حرره‌الحاج محمدحسن اصفهانی

حافظ

۳- توضیح کتاب شناختی

از معجم المفهرس (قم، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۳ قمری) استنباط می‌شود که مجلدات مورد بحث بین سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۵ قمری به سرمایه‌ی حاج محمدحسن کمپانی امین دارالضرب در تهران به چاپ رسیده است و قسمت‌های دیگر بحار الانوار بعدها به سعی پسرش حاج حسین آقا امین‌الضرب انتشار یافته است.

حافظ: گفتنی‌ست که حاج محمدحسن اصفهانی ملقب به امین‌الضرب (وفات ۱۳۱۶ق)، نسخه‌های مجلدات بحار الانوار مجلسی را به هزینه‌ی خود چاپ کرده و آن‌ها را رایگان به همهی علمای تهران و ولایات هدیه می‌فرستاده است.

با سپاس از فرستنده و نویسنده‌ی نامه که خود از پژوهشگران تاریخ‌اند و نیز از همکار قلمی ارجمند کاظم محمدزاده که این مقاله‌ی کوتاه، ره‌آورد سفر ایشان به تبریز است.

از دیگر خوانندگان و مشترکان فرهیخته‌ی مجله نیز خواهشمندیم که کپی اسناد چاپ نشده‌ی فرهنگی خود را در اختیار ما بگذارند تا برای ثبت در تاریخ زینت‌بخش صفحات این نشریه شود. ■

نامه‌ی امین‌الضرب از تهران

تبریز ۱۳۱۵ قمری

بسم الله الرحمن الرحیم
موضوع: اخبار کتابخانه امین‌الضرب در تهران
حضرت آقای سید محمد حسن آقا امین‌الضرب در تهران در روزهای ۱۳۱۵ قمری در منزل خود کتابخانه‌ای را تاسیس فرموده است که در آن کتابهای بسیار نفیسه و نایب از کتابخانه‌های مختلف جمع شده است. این کتابخانه شامل کتب فارسی، عربی، و لاتین است. از جمله کتب موجود در این کتابخانه می‌توان به کتب کلامی، فقهی، تفسیری، و کتب تاریخی اشاره کرد. این کتابخانه به جهت وسعت و نفیسه کتبش مورد توجه و احترام بسیار است.

بیانات دکتر مصدق در زمینه‌ی عدالت،

آزادی و دموکراسی

س. حسام

دیوان عالی کشور که عالی‌ترین مرجع قضایی در ایران است، در ۲۹ آبان ۱۳۳۱ در زمان زمامداری زنده‌یاد دکتر محمد مصدق، با ترکیب تازه آغاز به کار کرد. عبدالعلی لطفی وزیر دادگستری وقت که سرگرم پالایش دستگاه قضایی بود، با استفاده از اختیارات قانونی دکتر مصدق، پنج روز پیش از این تاریخ، دیوان عالی کشور و دادگاه انتظامی قضات را منحل ساخته بود.

دکتر مصدق نخست‌ویر وقت در آستانه‌ی فسادزایی از قوه قضائیه گفته بود که برقرار کردن و حفظ دموکراسی واقعی در یک جامعه بدون وجود عدالت و آزادی در آن

جامعه امکان‌پذیر نیست و عدالت عمومی و آزادی بدون داشتن یک دستگاه قضایی کارآمد و بی‌نظر به دست نمی‌آید و تنها قاضی عادل است که می‌تواند در یک جامعه عدالت ریشه‌دار برقرار کند. دستگاه‌های اداری ما از دیر زمان به فساد و آلودگی، شهرت یافته‌اند و از این‌جاست که جامعه آلوده می‌شود و در چنین وضعیتی نمی‌توان انتظار وجود عدالت و آزادی را داشت. قاضی عادل و از هر جهت خوب، می‌تواند فساد و کژی را از دستگاه‌های عمومی بزدايد و بالطبع جامعه تمیز و آزاد شود و پیش بتازد و...

دکتر مصدق، خود استاد رشته‌ی حقوق بود و سابقه‌ی تحصیلات او در این رشته در اروپا، موضوع مقاله‌ی محققانه به قلم دکتر ناصر تکمیل همایون است که در مجله‌ی بخارا به همت علی‌دهباشی منتشر شده است.